

مقاله پژوهشی

از مجتمع زیستی تا قلعه‌ی متروک؛ تبیین هویت زیستی-تاریخی قلعه امیرآباد ورامین در نسبت با الگوی مزارع مسکون

محمد ربیعی^{۱*}، ایمان دهاقین^۲

۱- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مرمت شهری دانشگاه تهران - سرباز امریه دفتر حفظ و احیای وزارت میراث فرهنگی

صنایع‌دستی و گردشگری

۲- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مرمت دانشگاه هنر اصفهان - معاون دفتر حفظ و احیای وزارت میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری

چکیده

این پژوهش باهدف بازخوانی، بررسی و تحلیل قلعه امیرآباد ورامین - متعلق به دوره قاجار - در نسبت با الگوهای سکونت‌ی مزرعه مسکون و سکونتگاه‌های تاریخی انجام شده است. مزرعه مسکون به‌عنوان گونه‌ای کمتر شناخته‌شده از سکونتگاه‌های تاریخی، مجموعه‌ای پویا با ساختاری متشکل از عناصر مسکونی، تولیدی، مذهبی و خدماتی، مبتنی بر کشاورزی و در پیوند تنگاتنگ با زمین تعریف می‌شود. مسئله اصلی تحقیق، ناشناختگی این الگو و تهدید نابودی و افول تدریجی کارکرد تاریخی قلعه امیرآباد به‌عنوان یک مجتمع زیستی است؛ بنایی که در گذشته ساختاری منسجم و فعال داشته، اما امروزه به‌عنوان یک "قلعه متروکه" و صرفاً یک یادمان معماری تلقی می‌شود. این کاهش هویتی و عملکردی، پیامد عدم شناخت و بی‌توجهی به ظرفیت‌های زیستی این گونه‌ی سکونت‌ی است. بنایی که نه تنها واجد ارزش تاریخی، بلکه دارای ساختاری منسجم و هویتی مستقل به‌عنوان یک مجتمع زیستی کشاورزی است در این راستا، با بهره‌گیری از رویکرد تفسیری-تاریخی و روش‌های ترکیبی شامل مطالعات میدانی، بررسی اسناد تاریخی، تحلیل تصاویر هوایی و تحلیل کالبدی و کارکردی، تطابق ویژگی‌های قلعه با معیارهای مزرعه مسکون و روستا مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از هم‌پوشانی‌های چشمگیر فضایی، عملکردی و معماری قلعه با ساختارهای مزارع مسکون و سکونتگاه‌های روستایی است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را نمونه‌ای ترکیبی و واجد هویت زیستی-معماری منحصر به فرد دانست. حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این اثر تاریخی، نقشی کلیدی در حفظ میراث فرهنگی منطقه و تقویت شناخت نسبت به الگوهای زیستی معماری ایرانی ایفا می‌کند.

تاریخ دریافت:

۱۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۰۴ خرداد ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

مزرعه مسکون تاریخی،

قلعه امیرآباد،

ورامین،

مقایسه تطبیقی

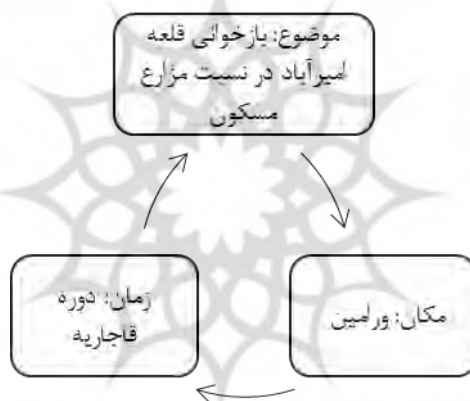
doi: 10.22034/AHDC.2025.22870.1854

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



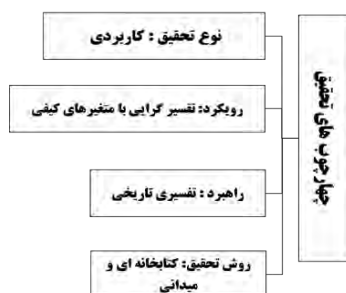
۱- مقدمه

ورامین دارای پیشینه غنی در آداب و علوم فلاحت و زراعت است. شهرستان ورامین به دلیل موقعیت طبیعی (آب و خاک خوب افرتی رودهای بالادست) دارای مزرعه‌های بسیاری است که بقایای معماری برخی از آن‌ها قابل شناسایی است. (کدخد، ۱۳۹۷) در این اقلیم، ترکیب سه عامل کلیدی آب، امنیت و زمین، موجب شکل‌گیری ساختاری زیستی با عنوان «مزرعه» شده است. با این حال، دگرگونی در الگوهای مالکیت (ارباب‌رعیتی)، نظام‌های دفاعی و امنیتی، شیوه‌های اسکان، نظام‌های تولید و بهره‌برداری از منابع آب، موجب تغییر تدریجی کاربری این مزارع شده و بسیاری از آن‌ها به مرور زمان رها و بلااستفاده گشته‌اند. مزرعه مسکون تاریخی امیرآباد، واقع در شهرستان ورامین (استان تهران) تا پیش از انقلاب اسلامی همچنان محل سکونت بوده و به واسطه پیشینه تاریخی، ویژگی‌های طبیعی و محیط‌زیستی و معماری بومی‌اش، واجد ارزش‌های فرهنگی و کالبدی قابل توجهی است. این مجموعه در حال حاضر با چالش‌هایی نظیر مهاجرت، خالی شدن از سکنه، فقدان شناخت عمومی از ارزش‌های آن، دگرگونی در شیوه زندگی و به تبع آن، تغییرات کالبدی مواجه است. یافته‌های این پژوهش بر پایه تحلیل اسناد مکتوب ملی و بین‌المللی، به همراه مطالعات میدانی صورت گرفته در قلعه امیرآباد، استوار است. در این مقاله، با تکیه بر مبانی نظری و مفاهیم مرتبط با مزارع مسکون، مستندات قانونی و نیز تحلیل معماری و کارکردی، قلعه امیرآباد به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص مجتمع زیستی در قیاس با مزارع مسکون تاریخی بررسی و معرفی می‌شود.



تصویر ۱: دیاگرام نمایش موضوع مکان زمان پژوهش (نویسندگان، ۱۴۰۴)

بر اساس شواهد و اسناد تاریخی، از دوره قاجار و پیش از آن، در فلات مرکزی ایران گونه‌ای از مجتمع‌های زیستی شکل گرفت که نقش مؤثری در سامان‌دهی معیشت و ساختارهای زیست‌محیطی منطقه ایفا می‌کردند. این مجموعه‌ها با دارا بودن جمعیت ثابت، سازوکارهای سازمان‌یافته خدماتی و استقرار در کنار اراضی کشاورزی (کشتخوان‌ها)، به «مزارع مسکون» شهرت یافتند و حیات آن‌ها تا پایان دوره پهلوی اول استمرار داشتند (راعی، ۱۳۹۹). این مزارع نه تنها بستر تولید کشاورزی بودند، بلکه در شکل‌گیری هویت اجتماعی و اقتصادی مناطق نیز نقش فعالی ایفا می‌کردند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. تحلیل داده‌ها بر پایه روش تفسیری-تاریخی و با بهره‌گیری از توصیف تحلیلی صورت پذیرفته است. در این مقاله، پس از طرح مسئله و تبیین پرسش اصلی پژوهش که ماهیتی کیفی دارد، چارچوب نظری و ساختاری تحقیق مشخص شده است. به منظور پاسخ‌گویی به اهداف و سؤالات تحقیق، از راهبرد استدلال منطقی بهره گرفته شده و ارزش‌ها و چالش‌های پیش‌روی مزرعه امیرآباد در قالب رویکردی تلفیقی میان حفاظت و توسعه، مورد تحلیل قرار گرفته است. فرآیند گردآوری داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی، تصاویر گذشته و معاصر و همچنین از طریق بازدیدهای میدانی، مصاحبه با افراد مطلع و مستندسازی شرایط کالبدی و فضایی صورت گرفته تا تصویری روشن از وضعیت موجود به دست آید.



تصویر ۱: دیاگرام نمایش چهارچوب تحقیق (نویسندگان، ۱۴۰۴)

پرسش‌های تحقیق

- ۱- قلعه امیرآباد ورامین چگونه و چه میزان با مؤلفه‌های معماری و عملکردی مزارع مسکون تطبیق‌پذیر است؟
- ۲- کدام شواهد و عوامل کالبدی، کارکردی و اسنادی، ماهیت زیستی-کشاورزی قلعه امیرآباد را در گذشته اثبات می‌کنند؟
- ۳- شناخت و مقایسه تطبیقی قلعه امیرآباد با الگوهای مزرعه مسکون چگونه می‌تواند زمینه‌ساز تدوین راهبردهای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این اثر و احیای هویت تاریخی-زیستی آن گردد؟

۲- پیشینه تحقیق

موضوع «مزارع مسکون» در ادبیات پژوهشی داخلی تاکنون از پیشینه گسترده‌ای برخوردار نبوده است و نتایج حاصل از مطالعات مقدماتی، اعم از کتابخانه‌ای و میدانی، نشان می‌دهد که هم در میان جامعه علمی و هم در سطح عامه، شناخت جامع و منظمی از این گونه زیستی-معماری وجود ندارد. در پژوهش‌های داخلی، معدود مطالعاتی به این موضوع پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به تحقیقات راعی اشاره کرد که به بررسی تاریخی و چگونگی شکل‌گیری مزارع تاریخی در ایران اختصاص داشت. در حوزه منابع خارجی اگرچه با عنوان مستقیم «مزرعه مسکون» مواجه نیستیم، اما مفاهیم مرتبط در قالب مقالات تخصصی، برنامه‌های اجرایی نهادهای بین‌المللی و منشورهای جهانی موردتوجه قرار گرفته‌اند. در راستای اجتناب از اطاله کلام، دسته‌بندی مختصری از مهم‌ترین منابع و مطالعات مرتبط در قالب یک جدول تنظیم شده که در ادامه ارائه می‌گردد.

جدول ۱: جدول دسته‌بندی پیشین پژوهش

۱	مزارع مسکونی تاریخی به عنوان میراث فرهنگی: مطالعه موردی یک روستای سنتی در چین	مقاله	یان لیو و لیانگ وانگ	بررسی اهمیت فرهنگی و تاریخی مزارع سنتی در روستایی در چین استدلال این مکان‌ها ارزش فرهنگی قابل توجهی دارند و باید به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ما حفظ شوند. نقش مهم در ترویج استفاده پایدار از زمین و حفظ دانش و فناوری سنتی
۲	چشم‌انداز فرهنگی جوامع روستایی	کتاب	کاترینا نولین	مروری بر چشم‌انداز فرهنگی جوامع روستایی نقش کشاورزی را در شکل‌دهی چشم‌انداز فرهنگی چالش‌های حفظ در مواجهه با مدرن‌سازی و جهانی‌سازی
۳	فهم و تقرب به مفاهیم حفاظت در مزارع مسکون تاریخی (مورد پژوهی: مزارع مسکون اربابی نیاسر در دوره قاجار)	پایان نامه	حسین راعی	تعریف مزرعه مسکون / پیشینه قابلیت‌های کارکردی و کالبدی و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، معماری و حفاظت تقرب به مفهومی از حفاظت در مزارع مسکون تاریخی
۴	مطالعات قاره آمریکا	کلی	دیوید شویلر، رابرت بلر سنت جورج و سینتیا فالک (آمریکا) مایکل دیل و روبرتا بوندار (کانادا)	این مطالعات به بررسی اهمیت فرهنگی و تاریخی این جوامع نقش آنها در شکل دادن به منظر و هویت مناطق روستایی

۵	نقش میراث کشاورزی در توسعه روستایی	مقاله	ماریا نینیک، دیوید میلر و اوکسانا مونت	مروری بر پتانسیل میراث کشاورزی، از جمله مزارع تاریخی، در ارتقای توسعه روستایی ترویج استفاده پایدار از زمین و گردشگری
۶	ساختمان‌های مزرعه تاریخی و محیط‌های آن‌ها	کتاب	برایان ریدوت	مروری بر معماری و تاریخچه ساختمان‌های مزرعه تاریخی در بریتانیا اهمیت حفظ این بناها را به عنوان مکان‌های میراث فرهنگی پیش در مورد شیوه‌های کشاورزی سنتی و سازمان‌دهی اجتماعی جوامع روستایی
۷	منشور بائسا در مورد میراث کشاورزی ۲۰۱۲ منظرهای روستایی به عنوان میراث ۲۰۱۷ بیانیه بزرگداشت محوطه‌ها و یادمان‌های تاریخی ۲۰۱۹	منشور	منشورهای بین‌المللی	میراث کشاورزی بخشی از رابطه فرهنگ و طبیعت / کشاورزی عامل پیوند انسان و طبیعت منظر روستایی حاصل تعامل انسان و طبیعت / منظر روستایی شامل عناصر روستایی، روابط تولیدی، فضایی، عملکردی، بصری، نمادین و محیطی منظر روستایی سازگار با شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انباشتی از میراث ملموس و ناملموس

۳- تعاریف

در این بخش تعاریف مختلف مزرعه مسکون به منظور دستیابی به درکی دقیق‌تر از این مفهوم، توصیف جامعی از ویژگی‌های کالبدی، کارکردی و زیست‌محیطی مزارع مسکون ارائه شده و تمایز آن‌ها با سایر انواع مزارع، به ویژه مزارع صرفاً زراعی، مورد تأکید قرار گرفته است. چراکه واژه «مزرعه» در ذهن عموم غالباً با زمین‌های کشاورزی و فعالیت‌های زراعی صرف تداعی می‌شود، در حالی که مفهوم «مزرعه مسکون» ناظر بر ساختاری چندوجهی با عملکردهای سکونت، تولیدی و خدماتی در پیوند با نظام کشاورزی بومی است. از این رو، تمایزگذاری مفهومی در ابتدای پژوهش، زمینه‌ساز درک روشن‌تری از مسئله و محور اصلی مطالعه گردیده است.

مزرعه	مزرعه کشاورزی	صرفاً دارای کاربری کشاورزی و زراعت هستند و مستحذاتی در آنها دیده نمی‌شود و اغلب در خارج از شهرها روستا احداث شده‌اند
	مزرعه مسکون	ترکیب و همجواری عناصر و ساختارهای خدماتی، مذهبی و مسکونی با زمین‌های کشاورزی و باغات است که این توده‌های کالبدی را در زمره مجتمع‌های زیستی کوچکتر از روستا قراره است.

تصویر ۳: دیاگرام تفکیک مزرعه مسکون از مزرعه کشاورزی (نویسندگان، ۱۴۰۴)

جدول ۲: جدول جمع‌بندی تعاریف مزارع مسکون (نویسندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	منبع	عنوان	تعریف
۱	۳ ۲ ۱ ۴ ۷	شورای اروپا	ساختمان‌های سنتی روستایی و چشم‌انداز اطراف آنها که به‌طور مداوم برای اهداف کشاورزی در یک دوره زمانی طولانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
۳		دولت بریتانیا	گروه‌هایی از ساختمان‌هایی که در ابتدا برای مصارف کشاورزی طراحی شده‌اند و دارای ارزش تاریخی، معماری یا چشم‌انداز قابل توجهی هستند.
۴		ایکوموس ICOMOS	مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و سازه‌ها، شامل خانه‌های مسکونی، ساختمان‌های مزرعه و سازه‌های مرتبط که با یک دوره تاریخی خاص مرتبط هستند و تأثیر قابل توجهی بر منظر فرهنگی دارند.
۷		وزارت کشاورزی ایالات متحده	"املاکی با مسکن و ساختمان‌ها، سازه‌ها و ویژگی‌های مرتبط ساخته‌شده یا استفاده‌شده برای حمایت از فعالیت‌های کشاورزی، با سابقه مستند استفاده کشاورزی و با تمرکز قابل توجهی از منابع اصلی یا تاریخی است."

۶	لغت نامه دهخدا	زمینی که برای کشت و کار و تولید محصولات زراعی و باغی به کار می‌رود و در آن جایی برای سکونت و ساخت‌وساز نیز وجود دارد
۷	قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵	مزرعه نقطه جغرافیایی و محلی است کشاورزی که بنا به تعریف روستا نبوده و به دو شکل مستقل و تابع شناخته شده، مکان تابع در محدوده ثبتی یا عرفی روستای متبوع خود و مکانی مستقل دارای محدوده ثبتی یا عرفی معین و مستقل بوده و از لحاظ نظامات اداری زیر پوشش واحد تقسیماتی مربوط و از لحاظ نظام تقسیمات کشوری جزو آن محسوب می‌شود
۸	حسین راعی	مزارع مسکون از هم کناری کشتخوان، آب و تعدادی از عناصر مسکونی، مذهبی، دفاعی و خدماتی مانند؛ قلعه‌های اربابی و رعیتی، عمارت اربابی، خانه‌های رعیتی، حسینیه، آسیاب، حمام، آب‌انبار، برج دیدبانی و امثال آن شکل گرفته و در پاسخ به نیازهای اقتصادی و امنیتی حاکمان، اربابان، رعایا و سایر ذینفعان در طول زمان به تکامل رسانده است

جمع‌بندی تعاریف: تعریف مزرعه‌های مسکون تاریخی بسته به منبع و زمینه متفاوت است. برخی از تعاریف بر

استفاده و اشغال مستمر ساختمان‌ها در طول زمان تمرکز دارند، درحالی‌که برخی دیگر بر ارزش معماری یا منظر مزرعه‌ها تأکید دارند. با این حال، به‌طور کلی، مزرعه‌های مسکون تاریخی را باید به‌عنوان یک کلیت در نظر گرفت شامل محیط طبیعی و مصنوع، شامل عناصر کالبدی و غیر کالبدی و عناصر ملموس و ناملموس و به‌عنوان یک موجودیت زنده که نادیده گرفتن هر یک از موارد اشاره‌شده خدشه به هویت و موجودیت آن است. پس در یک جمع‌بندی مزارع مسکون تاریخی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد:

"مزرعه مسکون تاریخی یک مجموعه زنده و پویاست شامل همه‌ی عوامل مصنوع انسان‌ساخت و عوامل طبیعی، با همه ویژگی‌ها و ارزش‌های ملموس و ناملموس که مجموعاً یک محیط سکونت و مجتمع زیستی بر پایه کشاورزی شکل داده و دارای هویت مشخص و مرتبط به خود و مجزا از روستا به نام مزرعه مسکون است."

۴- مشخصه و مؤلفه‌های مزرعه مسکون

بر اساس تحلیل منابع مکتوب و مطالعات تطبیقی صورت‌گرفته بر روی اسناد داخلی و بین‌المللی، نگارنده مجموعه‌ای از مؤلفه‌های بنیادین را به‌منظور شناسایی و تشخیص "مزرعه مسکون" استخراج کرده است. این مؤلفه‌ها به‌عنوان شاخص‌هایی عینی و قابل استناد، مبنایی برای ارزیابی و تأیید هویت تاریخی و عملکردی چنین مجموعه‌هایی به شمار می‌روند. بر اساس این مطالعات، یک محدوده زمانی می‌تواند به‌عنوان "مزرعه مسکون تاریخی" شناسایی شود که دارای شواهد و ویژگی‌های زیر باشد:

جدول ۳: مشخصه‌های مزارع مسکون - (گردآوری نویسنده، ۱۴۰۴)

ردیف	مشخصه	شرح	دسته‌بندی	منابع
۱	وجود بناهای تاریخی	شامل ساختمان‌هایی با سبک معماری خاص منطقه و دوره تاریخی معین که بازتاب‌دهنده فنون بومی ساخت‌وساز هستند.	کالبدی	راعی، ۱۳۹۹؛ ICOMOS, 2005
۲	الگوهای پایدار کاربری زمین	شواهدی از استفاده مداوم زمین‌های کشاورزی یا مرتعی در بازه‌های زمانی طولانی، به‌ویژه بر اساس تصاویر هوایی یا مستندات تاریخی.	کالبدی / اجتماعی	FAO, 2013؛ راعی، ۱۳۹۶
۳	فناوری‌ها و روش‌های سنتی کشاورزی	نظیر تناوب زراعی، دامداری سنتی، استفاده از حیوانات بارکش و سامانه‌های بومی آبیاری.	عملکردی / کالبدی	UNESCO GIAHS, 2013؛ کدخدای، ۱۳۹۷
۴	آثار فرهنگی و ابزارهای تاریخی	شامل ابزارهای کشاورزی، وسایل زندگی و اشیایی که معرف تاریخ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منطقه‌اند.	فرهنگی / ملموس	Taylor & Lennon, Fowler, 2011؛ 2003

۵	مستندات تاریخی مکتوب	مانند قباله‌ها، نقشه‌ها، اسناد رسمی و حقوقی که تاریخچه مالکیت، توسعه و تحول مزرعه را آشکار می‌سازند.	مستند / تاریخی	قانون حفظ آثار ملی ۱۳۰۹؛ رای، ۱۳۹۹
۶	نظام اجتماعی و ساختار بهره‌برداری	شواهدی از رابطه ارباب و رعیت، مشارکت کشاورزی، تقسیم منابع	فرهنگی - اجتماعی	رای، ۱۴۰۰؛ ICOMOS, 2005
۷	سازمان فضایی و ترکیب معماری	الگوی استقرار فضاها: خانه اربابی، رعیتی، انبار، اسطبل، حیاط، دیوار، ورودی‌ها	کالبدی / معماری	UNESCO, 2013 Taylor & Lennon, 2011
۸	پیوستگی با بستر طبیعی و اقلیمی	استقرار در زمین حاصلخیز، نزدیکی به منابع آب و دشتهای حاصلخیز یا مجاورت قنات، تطابق مصالح و شکل با اقلیم	کالبدی / زیست‌محیطی	European Landscape Convention, 2000 کدخد، ۱۳۹۷
۹	حافظه تاریخی و روایت‌های شفاهی	نقل‌قول‌ها، خاطرات محلی، نام‌گذاری‌های بومی در فرهنگ عامه	فرهنگی / ناملموس	رای، ۱۳۹۹؛ ICOMOS, 2005
۱۰	تعامل با مناطق پیرامونی	راه‌های قدیمی، ارتباط تجاری، زنجیره سکونت‌گاه‌ها	جغرافیایی / اجتماعی	UNESCO, 2013 Taylor & Lennon, 2011

مزارع مسکون را می‌توان از منظرهای گوناگون نظیر معماری، نظام کشاورزی، عناصر کالبدی و سایر جنبه‌های مرتبط مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. برای احراز و اثبات هویت یک محدوده به‌عنوان مزرعه مسکون، نیاز به بررسی و انطباق آن با مجموعه‌ای از مشخصه‌ها و مؤلفه‌های بنیادین است. این شاخص‌ها، بر پایه‌ی اسناد و منابع معتبر داخلی و بین‌المللی استخراج شده‌اند و در این پژوهش، به‌منظور شناسایی قلعه امیرآباد به‌عنوان مجتمع زیستی و قیاس آن با مزارع مسکون تاریخی، تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های کالبدی، تاریخی و عملکردی این مجموعه موردبررسی قرار گرفته است.

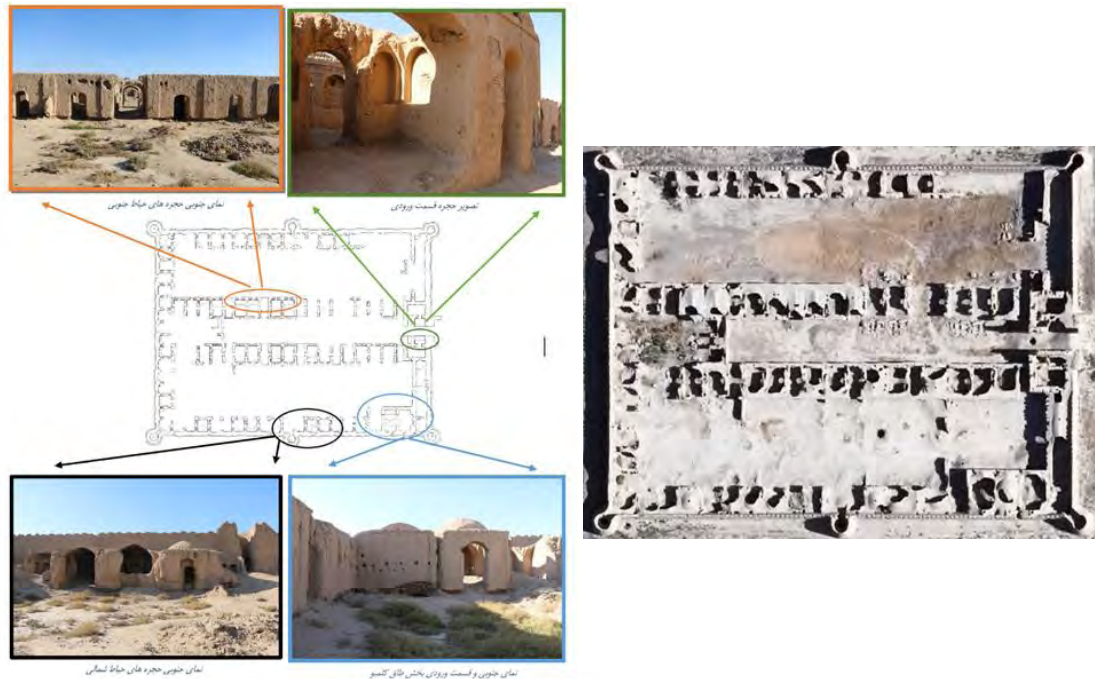
۵ - معرفی قلعه امیرآباد

مزرعه مسکون تاریخی امیرآباد، واقع در شهرستان ورامین استان تهران تا پیش از انقلاب اسلامی محل سکونت بوده و به دلیل پیشینه تاریخی، ویژگی‌های طبیعی و زیست‌محیطی و همچنین برخورداری از معماری بومی ارزشمندی، واجد ارزش‌های متعدد فرهنگی و تاریخی شناخته می‌شود. با این حال، این مجموعه در سال‌های اخیر با چالش‌هایی نظیر مهاجرت، خالی شدن از سکنه، عدم شناخت و آگاهی عمومی نسبت به ارزش‌های آن و نیز تغییر در شیوه زندگی و سبک سکونت مواجه شده که پیامدهایی چون دگرگونی در کالبد بنا و تخریب تدریجی برخی اجزای آن را به همراه داشته است.

فضای کالبدی فعلی قلعه امیرآباد مساحتی معادل ۵۲۷۰۶ مترمربع را در بر می‌گیرد و در یک طبقه با مصالح سنتی نظیر خشت و گل، متعلق به دوره قاجار ساخته شده است. این مجموعه در مجاورت زمین‌های کشاورزی و یک امامزاده همراه با قبرستان واقع شده و در عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ شمسی، فضاهای کالبدی بیشتری در اطراف آن مشاهده می‌شود که امروزه به‌طور کامل تخریب شده‌اند. این قلعه در فاصله دو کیلومتری جنوب شهر پیشوا و در هم‌جواری روستای محمدآباد عرب‌ها، در دهستان بهنام عرب جنوبی، بخش جوادآباد شهرستان ورامین واقع شده است.



تصویر ۲: دید و نمای ورودی قلعه و نمایش موقعیت مکانی قلعه امیرآباد (نویسندگان، ۱۴۰۴)



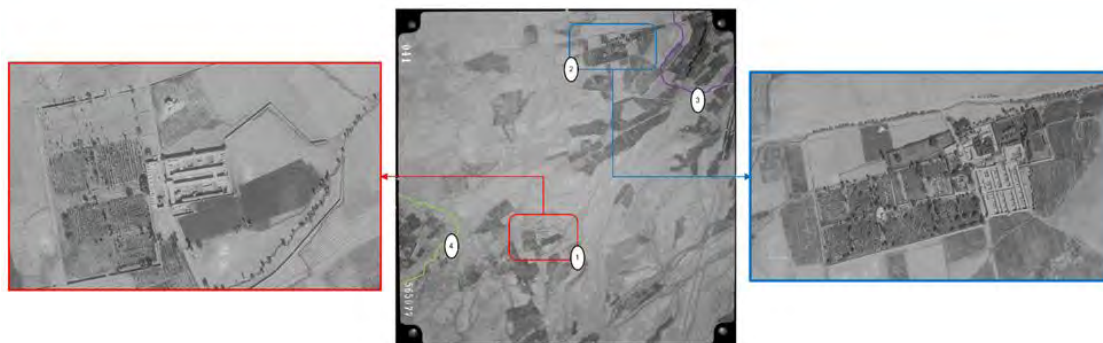
تصویر ۵: نمایش قسمت‌های مختلف قلعه - (نویسندگان، ۱۴۰۴)

۶ - بررسی مستندات

در ادامه پژوهش، قلعه امیرآباد بر پایه شاخص‌ها و مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسنادی و مطالعات نظری، مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف از این ارزیابی، بررسی تطابق ویژگی‌های کالبدی، تاریخی، زیست‌محیطی و فرهنگی این مجموعه با معیارهای شناسایی «مزارع مسکون تاریخی» است؛ به نحوی که بتوان به صورت مستند و مستدل، اطلاق عنوان «مزرعه مسکون امیرآباد» را اثبات نمود.

۶-۱ - تحلیل تصاویر هوایی

یکی از نخستین و مؤثرترین شواهد در شناسایی مزارع مسکون، تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ شمسی است که اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار کالبدی و نحوه استقرار بناها در اختیار قرار می‌دهد. در این تصویر، حضور بناهای تاریخی با فرم و سبک مشخص، از جمله سازه‌هایی با پلان حیاط مرکزی و معماری خشتی، به وضوح قابل مشاهده است. این ساختارها که در یک قاب به صورت پراکنده اما با الگویی مشابه و سازمان‌یافته دیده می‌شوند، شباهت‌هایی به کاروانسرا، قلعه و یا مزارع مسکون دارند. با بررسی عناصر شاخص مانند نحوه استقرار فضاها، نوع محصورسازی، دسترسی‌ها و پیوستگی با اراضی کشاورزی پیرامون، می‌توان به این نتیجه رسید که الگوی غالب این مجموعه‌ها با ویژگی‌های مزرعه مسکون تطابق دارد. تعدد این نمونه‌ها در یک محدوده جغرافیایی مشخص و تکرار الگوهای معماری مشابه، حاکی از وجود یک الگوی زیستی تثبیت‌شده در منطقه است که در ادبیات علمی از آن با عنوان "مزرعه مسکون" یاد می‌شود. این تصویر هوایی نه تنها مستند عینی حضور چنین مجموعه‌هایی است، بلکه مبنایی مهم برای تحلیل تطبیقی با مؤلفه‌های نظری مزارع مسکون فراهم می‌آورد.



تصویر ۳: نمایش قلعه امیرآباد و سه مجموعه زیستی هم‌جوار و بزرگنمایی آن‌ها برای نمایش شباهت الگوی معمارانه -نگارنده بر اساس عکس هوایی سال ۳۵ سازمان نقشه‌برداری

در جریان پژوهش، تصویری هوایی از اراضی کشاورزی منطقه ورامین که توسط «میتل هولستر» در حوالی سال‌های ۱۳۰۴ هجری شمسی ثبت شده، شناسایی گردید. این تصویر از منظر پژوهشی واجد اهمیت فراوان است؛ چراکه با دقت و وضوح قابل توجهی، فرم فضایی و نحوه استقرار معماری مجموعه‌های کشاورزی را به نمایش می‌گذارد. آنچه این تصویر را به‌ویژه حائز اهمیت می‌سازد، نحوه تعامل و هم‌نشینی میان فضاهای سکونتی و زراعی است که در قالب یک الگوی منظم و هدفمند، پیوستگی میان زیستگاه انسانی و کاربری کشاورزی را نشان می‌دهد. در این تصویر، مرزهای طبیعی و مصنوع میان سکونتگاه و زمین‌های کشاورزی، نحوه سازمان‌دهی فضاها، مسیرهای ارتباطی و ساختار کالبدی سازگار با اقلیم منطقه به‌روشنی قابل مشاهده است. تحلیل این تصویر علاوه بر آنکه به درک دقیق‌تری از نظام سکونتی - کشاورزی در دشت ورامین منتهی می‌شود، شاهدی مهم بر وجود و تداوم الگوی زیستی «مزارع مسکون» در این پهنه جغرافیایی در اوایل سده چهاردهم شمسی نیز به شمار می‌آید.



تصویر ۴: زمین‌های زراعی اطراف ورامین، (والتر میتل هولستر، ۱۳۰۴)

۶-۲- مصاحبه

با در ادامه روند پژوهش، اطلاعات ارزشمندی از طریق مصاحبه با افراد بومی و مطلعان محلی به‌دست آمد. به‌ویژه یکی از ساکنان سابق قلعه امیرآباد که خود از بازماندگان خانواده‌های ساکن در این مجموعه بوده، اطلاعاتی کلیدی درباره گذشته‌ی زیستی این مکان ارائه نمود. بر اساس اظهارات وی و تأیید سایر اهالی روستای مجاور محمدآباد عرب‌ها، قلعه امیرآباد تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک فضای سکونتی فعال شناخته می‌شده و چندین خانوار به‌صورت دائم در آن زندگی می‌کرده‌اند. این مکان نه‌تنها محل زندگی آنان بوده، بلکه با عنوان «روستای امیرآباد» نیز در میان مردم محل شناخته می‌شده است.

باین‌حال، در پی تحولات اجتماعی و قانونی در دهه‌های میانی قرن چهاردهم هجری شمسی، به‌ویژه تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی و برچیده شدن نظام ارباب‌رعیتی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، ساختار مالکیت و بهره‌برداری از زمین‌های

کشاورزی دگرگون شد. این تغییرات اساسی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی روستاها و مزارع، از جمله مزرعه امیرآباد، سبب شد تا واحدهای زیستی مبتنی بر ساختارهای پیشین، کارکرد و انسجام خود را به تدریج از دست بدهند. در نتیجه، خانوارها به دلایل معیشتی و تغییر در الگوی سکونت، از قلعه مهاجرت کرده و به سکونت‌گاه‌های مجاور، به‌ویژه روستای محمدآباد عرب‌ها، کوچ نمودند. پس از این دوره، قلعه متروک مانده و تنها زمین‌های کشاورزی وابسته به آن همچنان به صورت فعال مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. این شواهد شفاهی و اجتماعی نه تنها مؤید سکونت مستمر در این مکان در دهه‌های گذشته است، بلکه نقش قلعه امیرآباد را به عنوان یکی از نمونه‌های واقعی و زنده‌ی مزارع مسکون تاریخی منطقه تقویت و اثبات می‌کند. (خاندان اصفهانی و اهالی روستای محمدآباد عرب‌ها، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۳)

۶-۳- بررسی توسط اسناد رسمی کشور

در ادامه روند بررسی قلعه امیرآباد به عنوان یک مزرعه مسکون، طبق قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری (مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵) در ماده ۲ تبصره ۴، مزرعه به عنوان مکانی مستقل با محدوده ثبتی یا عرفی معین تعریف شده که تحت نظارت واحدهای تقسیماتی مرتبط قرار می‌گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۲/۰۵/۱۸-۱۱۲۰۰). همچنین در گزارش‌های رسمی، مانند مصوبه ۱۳۶۶/۰۵/۱۸ هیئت وزیران، روستای امیرآباد به عنوان یکی از روستاهای دهستان بهنام عرب جنوبی ذکر شده است. نقشه آماری سرشماری سال ۱۳۹۵، قلعه امیرآباد را با جمعیتی بین ۴ تا ۲۰ خانوار نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران) و همچنین آخرین فایل دسته‌بندی تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۸ نیز از امیرآباد به عنوان روستا نام برده و در همان دهستان، برخی نقاط را به عنوان مزرعه معرفی کرده است (مرکز آمار ایران). این موارد حاکی از آن است که مزرعه در قوانین رسمی کشور و تقسیمات سیاسی جایگاه مشخصی دارد و اشاره به قلعه امیرآباد به عنوان روستا نشان‌دهنده این است که این محدوده قطعاً یک فضای زیستی سکونتی بوده و احتمال دارد که پیش از این، به عنوان مزرعه مسکون عمل می‌کرده و بعدها به روستا تبدیل شده باشد.

۶-۴- تحلیل معمارانه و استقرار کالبدی

یکی از مؤلفه‌های اساسی در تشخیص و تفکیک مزارع مسکون از دیگر اشکال سکونت‌گاهی یا صرفاً زراعی، نحوه استقرار و ترکیب عناصر کالبدی آن‌هاست. در نمونه موردی قلعه امیرآباد، بررسی‌های میدانی، تحلیل تصاویر هوایی و مصاحبه با ساکنان قدیمی حاکی از وجود مجموعه‌ای از عناصر کالبدی به هم پیوسته است که به روشنی ساختار یک زیستگاه کشاورزی سکونتی را نشان می‌دهد. قلعه امیرآباد نه تنها دارای دیوارهای چینه‌ای مستحکم در پیرامون زمین‌های زراعی خود بوده، بلکه خود قلعه نیز دارای تقسیم‌بندی‌های داخلی به فضاهای کوچک‌تر و عملکردی بوده که معرف نظام بهره‌برداری مشترک از فضا است. در مجاورت قلعه، استبل و طویل‌ه برای نگهداری دام، انبارهای نگهداری محصول و نیز حمام عمومی قرار داشته که همگی نشان‌دهنده یک ساختار زیستی کامل هستند. از سوی دیگر، در ضلع دیگری از مجموعه، امام‌زاده‌ای همراه با گورستان قرار دارد که افراد دفن‌شده در آن، بنا به گفته مطلعان محلی، از ساکنان همان قلعه بوده‌اند. وجود چنین عنصری از پیوند عاطفی و تعلق سکونتی اهالی به محل حکایت دارد. همچنین، مسیرهای قدیمی نهرها و تعدد قنوات که از پیرامون قلعه عبور می‌کرده‌اند، همراه با ردیف‌های درختان کاشته‌شده در امتداد نهرها، الگویی روشن از سامان‌دهی فضای زیست و تولید به سبک بومی و سنتی را نشان می‌دهد. این ارتباط ارگانیک بین سکونت، تولید، ذخیره، عبادت، بهداشت و تدفین، همگی در یک ترکیب فشرده مکانی گرد هم آمده‌اند که معرف یکی از نمونه‌های بارز مزرعه مسکون تاریخی است؛ الگویی که با فروپاشی نظام ارباب‌ورعیتی و اجرای قانون اصلاحات ارضی از دهه ۱۳۴۰ شمسی، به تدریج دچار افول شده و موجب ترک تدریجی ساکنان و متروک شدن قلعه گشته است.



تصویر ۸: نمایش استقرار عناصر کالبدی و ترکیب و ارتباط آنها با یکدیگر-نگارنده بر اساس عکس هوایی سال ۳۵

۵-۶- مقایسه عناصر شکل‌دهنده با نمونه‌های مشابه

در یکی دیگر از مراحل تحلیل تطبیقی، عناصر کالبدی و فضایی موجود در قلعه امیرآباد با نمونه‌های مشابه از مزارع مسکون در اقلیم‌های همسان مورد مقایسه قرار گرفت. اسناد متعدد، به‌ویژه مطالعات انجام‌شده توسط حسین راعی و همکارانش، فهرستی از فضاهای شاخص در ساختار مزارع مسکون ارائه می‌دهند که از جمله می‌توان به خانه اربابی و رعیتی، انبار، طویله، اسطبل، حیاط مرکزی، حمام، ورودی‌های تعریف‌شده، عناصر آبیاری، مسیرهای دسترسی و ارتباطی، امامزاده یا مزار محلی و سایر اجزای وابسته اشاره کرد. در بررسی میدانی قلعه امیرآباد نیز بسیاری از این عناصر، به‌شکل مستند یا به‌صورت آثار باقی‌مانده، شناسایی شده‌اند. همچنین، با رجوع به نمونه‌هایی از مزارع مسکون که در شرایط فرهنگی، تاریخی و اقلیمی مشابهی قرار داشته‌اند و پیش‌تر توسط پژوهشگران به‌عنوان مزرعه مسکون شناخته و مستند شده‌اند، شباهت‌های معناداری در فرم، ترکیب فضایی، نحوه استقرار عناصر و روابط عملکردی میان فضاها مشاهده می‌شود.



تصویر ۹: دیاگرام فضاهای تشکیل‌دهنده یک مزرعه مسکون- (نویسندگان، ۱۴۰۴)

بر همین اساس، در یک جدول تطبیقی، عناصر کالبدی شناسایی‌شده در قلعه امیرآباد در کنار عناصر مشابه در نمونه‌های تأییدشده ثبت گردید. تطابق بالا میان این عناصر، مؤید آن است که قلعه امیرآباد نیز در گذشته ساختاری مشابه با مزارع مسکون داشته و از این منظر می‌توان آن را در رده این‌گونه فضاهای زیستی تاریخی دسته‌بندی کرد. این شباهت‌ها به‌ویژه در نوع سازمان فضایی، ترکیب عملکردی فضاها، نحوه مواجهه با بستر طبیعی و ارتباط با ساختارهای زیربنایی کشاورزی، اهمیت بالایی دارند و در تحلیل‌های معماری و تاریخی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

جدول ۴: مقایسه فضاهای تشکیل‌دهنده مزرعه امیرآباد با مزارع دیگر- (برگرفته راعی ۱۳۹۷)

ردیف	مزرعه	زمین باغ	بنای مذهبی و رعیتی	خانه و قلاع اربابی	آب (قنات-پوشمه)	حمام	برج دیده‌بانی	آب‌انبار	قبرستان	اسطبل
۱	قلعه امیرآباد	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	بالا عباس‌آباد		*	*	*			*		*
۳	بارونق	*	*	*	*					*
۷	سورآباد	*	*	*	*	*				*
۸	لنگان	*		*	*	*		*		*

۷- تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های مزارع مسکون با شواهد موجود در قلعه امیرآباد

در راستای شناسایی و بررسی قلعه امیرآباد، ده مؤلفه بنیادین با اتکا به منابع معتبر داخلی و بین‌المللی استخراج گردید که نمایانگر ویژگی‌های ساختاری، عملکردی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و تاریخی این‌گونه از مجتمع‌های زیستی می‌باشند. در ادامه، هریک از این مؤلفه‌ها با شواهد موجود درباره قلعه امیرآباد، واقع در جنوب شهر پیشوا در شهرستان ورامین، تطبیق داده شده است.

۷-۱- وجود بناهای تاریخی با سبک معماری منطقه‌ای و دوره‌ای

بنای اصلی قلعه امیرآباد متعلق به دوره قاجار بوده و به‌طور کامل با مصالح بومی مانند خشت، گل و سقف‌های ضربی ساخته شده است. معماری این قلعه با دارا بودن عناصر چون ورودی دفاعی، حیاط‌های مرکزی، اتاق‌های محصور پیرامونی و فضاهای خدماتی، مؤید بهره‌گیری از الگوهای سنتی ساخت‌وساز در منطقه ورامین است. تناسب کالبد با اقلیم، ضخامت دیوارها، مصالح طبیعی و فرم سازمان فضایی، همگی گویای وجود ساختاری اصیل و منطبق با سنت معماری روستایی در دشت مرکزی ایران‌اند.

۷-۲- الگوهای پایدار کاربری زمین در بلندمدت

تصاویر هوایی مربوط به سال ۱۳۳۵ شمسی، نشان‌دهنده فضاهای کشاورزی منظم، مرزهای زراعی و مسیرهای دسترسی پیرامون قلعه است. این ساختارها گواهی بر وجود سابقه‌ای طولانی از بهره‌برداری زراعی در این مکان هستند. گفت‌وگو با ساکنان پیشین و بررسی منابع محلی نیز استفاده مستمر از زمین‌ها برای کشاورزی و دامداری را تأیید می‌کند. همچنین بررسی تقسیمات حقوقی و مالکیتی در منابع آرشیوی، نشان‌دهنده ثبت حقوقی این اراضی به‌عنوان واحدهای بهره‌برداری کشاورزی است.

۷-۳- فناوری‌ها و روش‌های سنتی کشاورزی

با استناد به مستندات میدانی، منابع شفاهی و گزارشات محلی، روش‌هایی نظیر تناوب زراعی، چرای دام در زمین‌های مشترک، آبیاری سنتی (قنات یا نهرهای انحرافی) در این محدوده رواج داشته است. شواهدی از مسیرهای قنات خشک‌شده، حوض‌های آب و زیرساخت‌های مرتبط با نگهداری احشام در اطراف قلعه همچنان قابل مشاهده است.

۷-۴- آثار فرهنگی و ابزارهای تاریخی

در فرایند مستندسازی، ابزارهایی مانند سنگ آسیاب دستی، وسایل چوبی انبار غله و ظروف سفالی ساده در محدوده قلعه موجود نبود ولی در گفت‌وگو با اهالی معرفی شد. این اشیاء به‌طور مستقیم با تاریخ معیشت کشاورزی و سبک زندگی

سنتی در این محدوده پیوند دارند. نشانه‌های فرهنگی مانند آیین‌های بومی، اسامی محلی و خاطرات شفاهی بازماندگان نیز روایت‌گر زندگی در یک مزرعه‌ی تاریخی هستند.

۷-۵- مستندات تاریخی مکتوب و نقشه‌ها

اسناد ثبتی، قوانین رسمی، نقشه‌های قدیمی و همچنین ارجاع به قلعه امیرآباد در تقسیمات کشوری با عنوان "روستا" و "قلعه" در قوانین، نشان از هویتی رسمی برای این محدوده دارد؛ که تصاویر هوایی ثبت‌شده در میانه قرن بیستم، شواهد تاریخی درباره کاربری، توسعه و تحولات کالبدی مجموعه را تأیید می‌کنند.

۷-۶- نظام اجتماعی و ساختار بهره‌برداری

شکل‌گیری مجموعه پیرامون یک هسته مرکزی و تفکیک فضاهای اربابی و رعیتی، به‌وضوح بیانگر نوعی نظام سلسله‌مراتبی در بهره‌برداری کشاورزی بوده است. خانه بزرگ‌تر در ضلع شمالی با ایوان و فضاهای اختصاصی و اتاق‌های کوچک‌تر در پیرامون، گویای روابط ارباب‌رعیتی یا سیستم‌های مشابه در ساختار اجتماعی مزرعه است. روایت‌ها نیز از حضور نیروی کار در استخدام ارباب حکایت دارند.

۷-۷- سازمان فضایی و ترکیب معماری

قلعه امیرآباد با دیوارهای ضخیم محصور، ورودی اصلی، حیاط‌های مرکزی، اتاق‌ها و فضاهای خدماتی، حضور اسطبل، انبار، مطبخ و... سازمان‌یافتگی خاصی را نشان می‌دهد که بیانگر کارکرد چندوجهی و خودبسنده بودن این مجموعه است.

۷-۸- پیوستگی با بستر طبیعی و اقلیمی

استقرار قلعه در کنار زمین‌های حاصلخیز کشاورزی، مجاورت با شبکه قنات، بهره‌گیری از مصالح بومی مانند خشت و نیز طراحی سازگار با اقلیم نیمه‌خشک منطقه، همگی بیانگر تطابق این مجموعه با بستر طبیعی است. موقعیت آن در دشت مرکزی ورامین نیز با معیارهای استقرار سنتی کاملاً هماهنگ است.

۷-۹- حافظه تاریخی و روایت‌های شفاهی

در مصاحبه با سالمندان محلی و فرزندان آخرین ساکنان قلعه، اطلاعاتی درباره نحوه زیست، مناسبات اجتماعی، جشن‌ها و آداب و رسوم منطقه در ارتباط با این مزرعه ارائه شد. این روایت‌ها مکمل اسناد مکتوب و مستندات تصویری هستند و به احیای هویت فرهنگی مجموعه کمک می‌کنند.

۷-۱۰- تعامل با مناطق پیرامونی

وجود راه‌های سنتی خاکی، ارتباط با روستاهای مجاور مانند محمدآباد عرب‌ها، همسایگی با امامزاده و گورستان محلی و مجاورت با مسیرهای تاریخی ارتباطی، همگی مؤید پیوستگی این مجموعه با شبکه سکونت‌گاه‌های منطقه است. این تعامل، قلعه را در چارچوب اجتماعی-جغرافیایی خود معنادار می‌سازد.

جدول ۱: جدول تطبیق شاخص‌های شناسایی مزارع مسکون با شواهد موجود در قلعه امیرآباد- (نویسندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	مشخصه	شرح شاخص	شواهد موجود در قلعه امیرآباد	نتیجه تطبیق
۱	وجود بناهای تاریخی	وجود بناهایی با فنون بومی ساخت و سبک معماری منطقه و دوره تاریخی مشخص	قلعه خشتی قاجاری با ساختار بسته و بومی، معماری متناسب با اقلیم	تطابق کامل
۲	الگوهای پایدار کاربری زمین	استفاده مستمر از زمین‌های کشاورزی در طول زمان	تصاویر هوایی ۱۳۳۵ و باقیمانده مزارع اطراف قلعه	تطابق کامل
۳	فناوری‌ها و روش‌های سنتی کشاورزی	وجود روش‌هایی مانند دامداری سنتی، قنات، چرای دام و تناوب زراعی	مستندات شفاهی از شیوه‌های زراعی سنتی و چرای دام	تطابق کامل

۴	آثار فرهنگی و ابزارهای تاریخی	ابزار و اشیایی که تاریخ فرهنگی منطقه را نشان می‌دهند	اشیای بومی، خاطرات و ابزار سنتی باقی‌مانده از ساکنان سابق	تطابق نسبی
۵	مستندات تاریخی مکتوب	نقشه‌ها، تصاویر و اسناد مالکیت تاریخی	اسناد تقسیمات کشوری و ثبت قلع به‌عنوان روستا در دوره پهلوی	تطابق کامل
۶	نظام اجتماعی و ساختار بهره‌برداری	وجود نظام ارباب-رعیتی یا اشکال سنتی مشارکت کشاورزی	کالبد متمایز ارباب-رعیتی، فضاهای اشتراکی کشاورزی و خاطرات محلی	تطابق کامل
۷	سازمان فضایی و ترکیب معماری	چینش عملکردی فضاها: حیاط مرکزی، اتاق‌ها، ورودی‌ها، انبار، اسطبل و	سازمان فضایی بسته، ورودی کنترل‌شده، فضاهای کار و زندگی	تطابق کامل
۸	پیوستگی با بستر طبیعی و اقلیمی	مجاورت با زمین حاصلخیز، منابع آب، تطابق فرم و مصالح با اقلیم	استقرار در دشت حاصلخیز ورامین، مصالح بومی، نزدیکی به منابع آب	تطابق کامل
۹	حافظه تاریخی و روایت‌های شفاهی	نقل‌قول‌ها، نام‌گذاری بومی، خاطرات شفاهی	نام 'امیرآباد'، خاطرات اهالی، آگاهی نسبی مردم از گذشته سکونت	تطابق کامل
۱۰	تعامل با مناطق پیرامونی	مجاورت با راه‌های قدیمی، پیوند با روستاها و مراکز تولید	نزدیکی به پیشوا و محمدآباد عرب‌ها، قرارگیری در زنجیره سکونتی	تطابق کامل

تطابق ساختاری، کالبدی، اجتماعی، عملکردی و فرهنگی قلعه امیرآباد با مؤلفه‌های ده‌گانه استخراج‌شده از منابع معتبر نشان می‌دهد که این مجموعه را می‌توان به‌درستی در زمره «مزارع مسکون تاریخی» دسته‌بندی کرد. این تطبیق، نه‌تنها جایگاه آن را از منظر میراث فرهنگی و معماری بومی مشخص می‌سازد، بلکه اهمیت حفاظت و بازخوانی چنین سکونتگاه‌هایی را در دشت‌های فلات مرکزی ایران برجسته می‌سازد.

۸- نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی قلعه امیرآباد ورامین با شاخص‌های شناسایی مزارع مسکون تاریخی، نشان می‌دهد که این مجموعه نه‌تنها دارای ارزش‌های معماری، فضایی و زیست‌محیطی است، بلکه ساختار آن به‌عنوان یک سکونتگاه کشاورزی تاریخی از انسجام کالبدی و عملکردی برخوردار بوده است. مجموعه قلعه امیرآباد، با ویژگی‌هایی چون معماری خشت و گل دوره قاجار، سازمان فضایی متناسب با زیست‌مبئی بر کشاورزی و همچنین وجود عناصر وابسته نظیر امامزاده، قبرستان، نهرها و قنات‌های متعدد، مسیرهای کشاورزی و تقسیم‌بندی داخلی قلعه، جدای از تعاریف رایج درباره یک «قلعه» یا «روستا» بوده و می‌تواند به‌درستی به‌عنوان یک «مزرعه مسکون تاریخی» شناخته شود. تحلیل اسناد رسمی و نقشه‌های آماری، عکس‌های هوایی تاریخی، مستندات میدانی و اطلاعات حاصل از مصاحبه با ساکنان پیشین، مؤید آن است که قلعه امیرآباد نه‌فقط مکانی برای سکونت بلکه یک مجتمع زیستی-تولیدی بر پایه کشاورزی بوده که در پی اجرای قانون اصلاحات ارضی و برچیده شدن نظام ارباب-رعیتی در دهه‌های اخیر، کارکرد زیستی خود را از دست داده است. در حال حاضر، فقدان درک صحیح از کلیت این ساختار موجب شده است که تنها به بخشی از آن تحت عنوان «قلعه» توجه شود و نقش آن به‌عنوان یک واحد مستقل زیست‌کشاورزی نادیده گرفته شود. در پاسخ به پرسش‌های تحقیق، روشن شد که قلعه امیرآباد از منظر مؤلفه‌های معماری و عملکردی با شاخص‌های مزارع مسکون تاریخی انطباق بالایی دارد و مجموعه شواهد موجود، از کالبدی تا اسنادی، به‌روشنی هویت کشاورزی و سکونتی این اثر را در ادوار گذشته تأیید می‌کنند. همچنین شناخت تطبیقی آن با سایر نمونه‌های مزارع مسکون، نشان داد که چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز تدوین راهبردهای حفاظت، احیا و بهره‌برداری پایدار از این مجموعه‌ها بوده و در بازتعریف جایگاه آن‌ها در نظام میراث فرهنگی ایران نقش مؤثری ایفا کند؛ بنابراین، بازشناسی قلعه امیرآباد به‌عنوان یک مزرعه مسکون تاریخی، نه‌تنها ضرورتی علمی برای طبقه‌بندی دقیق‌تر سکونتگاه‌های ایرانی محسوب می‌شود، بلکه اقدامی اساسی برای حفاظت از این‌گونه ساختارهای در معرض تهدید به‌شمار

می‌رود. این شناخت می‌تواند الگویی کاربردی برای سیاست‌گذاری در حوزه حفاظت از میراث روستایی و توسعه پایدار در مناطق تاریخی ایران فراهم آورد.

۹- پیشنهاد

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود قلعه امیرآباد ورامین به‌عنوان نمونه‌ای از مزارع مسکون تاریخی، با همین عنوان در فهرست آثار ملی ثبت گردد. برنامه‌ریزی برای حفاظت کالبدی، مرمت اصولی و بهره‌برداری فرهنگی - توریستی از این مجموعه در دستور کار قرار گیرد. همچنین انجام پژوهش‌های میدانی و تطبیقی بیشتر بر روی سایر نمونه‌های مشابه در سطح کشور ضروری است تا امکان شناخت جامع‌تر و سیاست‌گذاری کلان در حوزه میراث روستایی و سکونت‌گاه‌های تاریخی فراهم گردد. ایجاد بسترهای قانونی جهت حمایت از مالکین و بهره‌برداران این‌گونه مزارع در قالب بسته‌های حمایتی، تسهیلات مرمتی و کاربری‌های نوآورانه همچون گردشگری روستایی، با همکاری نهادهای مرتبط از جمله وزارت میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی و نهادهای توسعه روستایی توصیه می‌شود. همچنین، تدوین الگوهای راهبردی برای احیای مزارع مسکون متروکه با رویکرد توسعه پایدار، به‌گونه‌ای که ضمن حفظ هویت تاریخی، امکان باززنده‌سازی متناسب با نیازهای امروز نیز فراهم شود، ضروری است. درنهایت، تدوین ضوابط شناسایی و ثبت مزارع مسکون به‌عنوان یک طبقه مستقل در فهرست آثار ملی کشور، با تکیه بر شاخص‌های احصا شده در این پژوهش، می‌تواند گامی مؤثر در پر کردن خلأ طبقه‌بندی سکونت‌گاه‌های تاریخی ایران باشد.

منابع

- راعی، حسین. ۱۳۹۷، فهم و تقرب به مفاهیم حفاظت در مزارع مسکون تاریخی (مزارع مسکون اربابی نیاسر در دوره قاجار)، دانشگاه هنر اصفهان
- عباس زادگان، مصطفی (۱۳۹۶). منظر روستاهای ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- راعی، حسین، ۱۴۰۳، نقش مالکیت اربابی در زیست مزارع ایرانی در دوره‌های قاجار و پهلوی با نگاه ویژه به مزرعه قاضی بالا در قم، <https://civilica.com/doc/2030871>
- کدخدای نوید، ۱۳۹۷- کتاب سیری در تاریخ هنر و معماری ورامین- انتشارات نظری، شابک ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۹-۰۸۸-۳
- راعی، حسین، ۱۴۰۱، تأملی بر شناخت مزرعه قاضی بالا بر پایه معیارهای شش‌گانه مزارع اربابی، <https://civilica.com/doc/1645445>
- راعی، حسین، ۱۴۰۰، گونه شناسی مزارع تاریخی در اقلیم گرم و خشک با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و کارکردی آن، <https://civilica.com/doc/1421151>
- راعی، حسین. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام «زمانی- مکانی- فضایی» ایران. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، (۱۷)۹. https://journals.atu.ac.ir/article_15483.html
- راعی، حسین. (۱۴۰۱). صورت‌شناسی مزارع مسکون تاریخی در اقلیم گرم و خشک ایران. بازیابی از <https://ensani.ir/fa/article/591346/>
- سازمان نقشه‌برداری کشور. (۱۳۳۵). عکس هوایی سال ۳۵ از روستای امیرآباد ورامین
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۲). مرکز پژوهش‌ها: قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری/
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۶). مرکز پژوهش‌ها: قانون تغییر نام بخش پلشت تابع شهرستان ورامین از استان تهران به پاکدشت و ایجاد و تشکیل ۸ دهستان شامل روستاها و مزارع و مکان‌ها در شهرستان مذکور/ https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/110331
- سازمان برنامه‌بودجه کشور- مرکز آمار ایران- نقشه آماری دهستان‌های کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ <https://amar.org.ir/1395/>
- سازمان برنامه‌بودجه کشور- مرکز آمار ایران- دسته‌بندی تقسیمات کشوری منتشرشده توسط مرکز آمار در سال ۱۳۹۸ <https://amar.org.ir/1398/>

- مصاحبه میدانی با خاندان اصفهانی و اهالی روستای محمدآباد عرب‌ها (۱۴۰۳)
- میتل هولستر، و. (۱۳۰۴). مجموعه عکس‌های هوایی از زمین‌های زراعی اطراف ورامین. [تصاویر بایگانی شده در منابع پژوهشی].
- FAO. (n.d.). *GIAHS: Globally Important Agricultural Heritage Systems*. Retrieved from <https://www.fao.org/giahs/>
- Gleim, E. B. (2012). The Role of Environmental Stewardship in Sustainable Agriculture: Lessons from Shelburne Farms. *Journal of Sustainable Agriculture*.
- Kennicott, P. (2009, November 19). Brewing new sense of Colonial relevance: Coffeehouse project is steeped in Williamsburg's shift to modern storytelling. *The Washington Post*.
- National Park Service. (1995). *Historic Residential Farms: Understanding Agricultural Landscapes*. Washington, DC: United States Department of Agriculture.
- National Trust for Historic Preservation. (n.d.). *The National Trust for Historic Preservation*. Retrieved from <https://savingplaces.org/>
- Schattman, R. E. (2010). The Farm-Based Education Movement in Vermont: Shelburne Farms as a Model. *Journal of Agriculture, Food Systems, and Community Development*.
- UNESCO. (1972). *Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage*. Retrieved from <https://whc.unesco.org/en/conventiontext/>
- nan ۹ ,,, , ., & oo ffschw•ll, .. (1984). "ulumbring on iss old foundaoioms:: Inrrrprooaoio at Colonial Williamsburg. *South Atlantic Quarterly*, 83(3), 157–159.
- ICOMOS. (2005). *Charter for the Interpretation and Presentation of Cultural Heritage Sites*. Retrieved from <https://www.icomos.org/>
- Historic England. (n.d.). *Farm Buildings and Traditional Farmsteads*. Retrieved from <https://historicengland.org.uk/>
- Shelburne Farms. (n.d.). Retrieved from <https://shelburnefarms.org/>
- Heritage in Transition: Vernacular Architectural Patterns in Rural Iran. (2024). *Heritage*, 7(7), 3393–3416. <https://doi.org/10.3390/heritage7070160>
- A Study of the Characteristics of Historical Farmsteads in Iran. (2021). *Iranian Journal of Architecture and Urban Planning*. <https://www.iust.ac.ir/ijaup/article-1-621-fa.pdf>
- Heritage Landscapes and Vernacular Settlements: An Inquiry into the Evolution of Historical Iranian Gardens. (2024). *ISVS e-journal*, 11(4). https://isvshome.com/pdf/ISVS_11-04/ISVSej_11.04.10.pdf
- The Unfolding Tragedy of Kandovan: The Loss of the Last Inhabited Cone Village. (2019). *Journal of Cultural Heritage*, 39, 1–9. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0197397519307611>

Original Research Article

From a Living Settlement to an Abandoned Fortress: Explaining the Bio-Historical Identity of Amirabad Fortress in Varamin in Relation to the Pattern of Inhabited FarmsMohammad Rabiei^{1*}, Iman Dahaghin²

1- Master graduate, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- Master graduate, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

 10.22034/AHDC.2025.22870.1854Received:
March 3, 2025Accepted:
May 25, 2025**Keywords:**
Historical
inhabited farm,
Amirabad Fortress,
Varamin,
Comparative
analysis**Abstract**

This study aims to reinterpret, examine, and analyze Amirabad Fortress in Varamin, dating back to the Qajar era, in relation to the settlement patterns of inhabited farms and historical residential complexes. Inhabited farm, as a lesser-known type of historical settlement, is defined as a dynamic complex with a structure composed of residential, productive, religious, and service elements, based on agriculture and in close connection with the land. The main issues addressed in this research are the negligence of this pattern and the threat of gradual decline and functional loss of Amirabad Fortress as a living settlement. Once an active and coherent structure, the fortress is now perceived merely as an "abandoned fortress" and an architectural monument. This reduction in identity and function results from the neglect and lack of knowledge about the ecological potential of this type of settlement. Amirabad Fortress not only holds historical value but also represents a coherent structure with an independent identity as an agricultural living complex.

In this regard, through an interpretive-historical approach and using mixed methods, including field studies, historical document analysis, aerial imagery analysis, and spatial-functional analysis, the features of the fortress were compared with the criteria of inhabited farms and rural settlements. The findings reveal significant spatial, functional, and architectural overlaps between the fortress and the structures of inhabited farms and rural settlements, suggesting that it can be considered a hybrid example with a unique bio-architectural identity. Sustainable conservation and utilization of this historical site play a crucial role in preserving the cultural heritage of the region and enhancing the understanding of Iranian ecological architectural patterns.

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

